

به نام خدا

گزارش وینار

«گروه کانونی بررسی عوامل و موانع و چالش‌های توسعه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در آموزش عالی ایران»

در تاریخ ۱۴۰۰/۰۲/۰۶ نشستی دو ساعته از سوی کرسی یونسکو «مدیریت، برنامه‌ریزی و تضمین کیفیت در آموزش عالی»^۱ مستقر در «مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی» برگزار شد. در این نشست دکتر اباصلت خراسانی مدیر کل منابع انسانی و پشتیبانی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی به عنوان ارائه دهنده و مدیریت پنل؛ دکتر محمد یمنی رئیس کرسی یونسکو در مدیریت، برنامه‌ریزی و تضمین کیفیت آموزش عالی و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی؛ دکتر مقصود فراستخواه، عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی؛ دکتر محمد تقی نظرپور، معاون اداری، مالی و مدیریت منابع انسانی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی؛ دکتر علی محمد احمدوند، رئیس دانشگاه غیرانتفاعی ایوان کی و عضو هیئت علمی؛ خانم معصومه قارون، معاون توسعه مدیریت و منابع انسانی و عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی؛ دکتر رضا منیعی، معاون پژوهشی و عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، دکتر فرزانه شمیرانی، مدیر کل دفتر آموزش‌های آزاد و غیرانتفاعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری؛ دکتر رحیم عبادی، رئیس مؤسسه آموزش عالی مهر البرز؛ دکتر علی آهون منش، رئیس اتحادیه موسسات غیرانتفاعی و غیردولتی؛ دکتر جعفر زعفرانی رئیس دانشگاه غیرانتفاعی شیخ بهائی و عضو هیئت علمی؛ و دکتر نسرین اصغرزاده، عضو شورای راهبردی و مسئول امور بین‌الملل و اجرایی کرسی یونسکو در مدیریت، برنامه‌ریزی و تضمین کیفیت آموزش عالی به عنوان گروه کانونی حضور داشتند. همچنین، حضور ارزشمند دکتر نسرین نورشاهی، رئیس مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی و عضو هیئت علمی؛ دکتر مصطفی عمادزاده، عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان؛ و برخی از دانشجویان دکتری حوزه آموزش عالی موجب غنای این پنل شد. در ادامه به ارائه مختصری از سخنرانی‌ها مبنی بر سه سؤال اصلی^۲ که محور این نشست را تشکیل می‌داد، اشاره شده است.

ابتدا، دکتر عمادزاده توجه به دو نکته در رابطه با آموزش عالی بخش خصوصی را حائز اهمیت دانستند که شامل ۱. نیاز به افزایش استقلال و آزادی عمل آموزش عالی بخش خصوصی و ۲. کمک به ارتقای رقابت‌پذیری آموزش عالی بخش خصوصی است.

در ادامه، دکتر نظرپور به تاریخچه‌ای مختصر از فرآیند خصوصی‌سازی آموزش عالی در جهان و به طور خاص در ایران اشاره کردند. همچنین، مزایای خصوصی‌سازی آموزش عالی و چالش‌های آن در ایران نیز در این بخش مطرح شد. در ارتباط با تاریخچه این بخش به ذکر مباحثی که در ادامه آمده است، اشاره شد. در بسیاری از کشورهای جهان از دهه ۱۹۹۰ خصوصی‌سازی رشد قابل توجهی داشته است. یکی از دلایل رونق

^۱ کرسی یونسکو در مدیریت، برنامه‌ریزی و تضمین کیفیت آموزش عالی به ریاست دکتر محمد یمنی در مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی قرار دارد. این کرسی مسائل و چالش‌های آموزش عالی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و بسته‌های سیاستی برای سیاستگذاران آموزش عالی فراهم می‌آورد.

^۲ الف) نقش فعلی و آتی آموزش عالی برای حمایت انسان و جامعه پایدار چه باید باشد؟ ب) چالش‌ها و شکاف‌های اصلی در خصوص توسعه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در آموزش عالی ایران چیست؟ ج) در مواجهه با این چالش‌ها در داخل سیستم آموزش عالی یا بیرون آن چه مواردی باید تغییر کند یا ایجاد شود؟

این بخش تأیید و تشویق رشد بخش خصوصی در رویارویی با افزایش دائمی هزینه‌های آموزش عالی و افزایش کارایی اجتماعی و اقتصادی آن بوده است. بطوریکه از مزایای خصوصی‌سازی آموزش عالی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- کاهش فشار در حال رشد جهت دسترسی به فرصت‌های آموزشی بیشتر؛
- جبران ناتوانی دولت‌ها در پاسخگویی به تقاضای آموزش عالی؛
- جلوگیری از صرف بسیاری از هزینه‌ها در حوزه آموزش و پژوهش؛
- افزایش کارایی و بهره‌وری؛
- کاهش هزینه‌ها؛
- تخصیص بهینه منابع؛ و
- برقراری رابطه منطقی‌تر اقتصادی بین آموزش و اشتغال.

همچنین، با توجه به وجود مزایایی که به آنها اشاره شد، عواملی منجر به تسریع گرایش به خصوصی‌سازی در آموزش عالی شده است که از آن جمله می‌توان به ظهور اقتصاد مبتنی بر دانش، تغییر ترکیب جمعیتی متقاضیان (افزایش تقاضای زنان) و ظهور فناوری‌های جدید اشاره کرد. دکتر نظریور در ادامه به ارائه عوامل مؤثر در تأسیس، توسعه و تجهیز دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی خصوصی و غیر دولتی پرداخته که به طور مختصر به آنها اشاره شده است.

- عدم تمایل دولت در پاسخگویی به تقاضاهای فزاینده به دلیل کمبود اعتبارات؛
- افزایش تقاضا برای ورود به آموزش عالی و تبدیل آموزش عالی از نخبه‌گرایی به توده‌گرایی؛
- تغییرات جمعیت شناختی متقاضیان ورود به آموزش عالی؛
- تأکید بر رشد خصوصی‌سازی آموزش عالی در برنامه‌ها و سیاستگذاری‌های کلان توسعه کشور و کاهش تصدی‌گری دولت؛
- افزایش تقاضا برای رشته‌های تحصیلی مورد نیاز بازار کار؛
- افزایش نسبت دانشجو به هیئت علمی در آموزش عالی دولتی؛
- تغییر و تحولات سطح توسعه اقتصادی-اجتماعی؛ و
- کاهش نابرابری‌های موجود آموزشی در آموزش عالی دولتی.

اواخر دهه ۱۳۴۰ تحولی در آموزش عالی ایران شکل گرفت. بطوریکه تقاضا برای ورود به آموزش عالی افزایش یافت و دانشگاه‌های موجود، نتوانستند جوابگوی این درخواست باشند. یکی از راه‌حل‌ها، سرمایه‌گذاری در بخش آموزش عالی خصوصی بود که تا آن زمان جز دانشگاه ملی در ایران سابقه نداشت. در سال ۱۳۳۹ تا آخر دهه ۱۳۴۰، ۱۳ واحد مؤسسه غیردولتی تأسیس شد و تا نیمه دهه ۱۳۵۰ با شتاب رشد کرد تا جایگاه شمار آنها به بیش از ۴۰ واحد فزونی یافت اما پس از انقلاب اسلامی و تحت شرایط خاص، مراکز آموزش عالی قابل توجهی از بخش خصوصی تبدیل به مراکز آموزش عالی دولتی شدند. با ادغام بعضی از آنها، دانشگاه‌های دولتی جدید مانند دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی و دانشگاه علامه طباطبائی تأسیس شد. دانشگاه آزاد اسلامی با حمایت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۶۱ به عنوان اولین گام و اقدام خصوصی‌سازی در آموزش عالی پس از انقلاب اسلامی، تأسیس شد. همچنین، برای مشارکت بخش خصوصی با تصویب سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و برنامه‌های سوم^۳ و چهارم توسعه کشور تلاشی جدی صورت گرفت.

^۳ در برنامه سوم توسعه (مصوب سال ۱۳۷۹) و در راهکارهای اجرایی بخش آموزش عالی آمده است: «اجازه تأسیس آموزشکده‌های غیردولتی، غیرانتفاعی صرفاً برای برگزاری دوره‌های کاردانی و توسعه جمعیت دانشجویی با متوسط رشد سالانه ۲۰٪ در این مؤسسات»

دکتر نظریور ضمن اشاره به نگرانی‌ها و چالش‌هایی که با رشد خصوصی‌سازی در آموزش عالی ایجاد شده است از جمله: کاهش بودجه دولتی در عرصه آموزش عالی، کاهش هزینه‌های سرانه دانشجو و افزایش تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی؛ مزایای آن را نیز برشمردند که می‌تواند منجر به پیشرفت در زمینه بهبود نحوه بهره‌برداری از منابع و مزایای اقتصادی حاصل از آن، تلاش برای یافتن منابع مالی جدید و ارتقای کیفیت آموزش به دلیل ایجاد رقابت بین دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی خصوصی و دولتی شود. با اینحال در سال‌های اخیر کسری بودجه دولت و رقابت بخش‌های مختلف نظیر صنعت، کشاورزی، درمان و آموزش پزشکی، آموزش و پرورش و... برای افزایش سهم خود از بودجه دولتی منجر به ایجاد محدودیت برای تأمین مالی آموزش عالی شده است. همچنین، با وجود افزایش سهم اعتبارات آموزش عالی از بودجه عمومی دولت، این افزایش متناسب با رشد کمی و کیفی آموزش عالی ایران نبوده است. با وجود افزایش سهم اعتبارات آموزش عالی از بودجه عمومی دولت، همچنان محدودیت‌هایی مانند: کاهش اولویت بخش آموزش عالی در بین سایر امور دولت؛ تحریم‌ها و اعمال محدودیت مضاعف بر فروش نفت ایران در سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ و اخیراً نیز موضوع گسترش بیماری کرونا و تحت فشار قرار گرفتن برای ایجاد پیوند نزدیکتر با بخش صنعت، وجود دارد.

در ادامه، چالش‌های بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری آموزش عالی مطرح شد که به برخی از آنها در شکل زیر اشاره شده است.



در پایان دکتر نظریور بحث خود را با بیان مجموعه‌ای از چالش‌های بخش خصوصی آموزش عالی خاتمه دادند.

- بحران‌های مالی دولت و تحریم‌های اقتصادی، کاهش بهای نفت، افزایش نرخ ارز، رقابت فزاینده میان بخش‌های مختلف کشور در سهم‌خواهی از بودجه دولت، آموزش عالی را به سوی کاهش وابستگی به بودجه دولتی و رشد بخش خصوصی در آموزش عالی سوق داده است.
- دانشگاه‌های خصوصی به عنوان مکمل دانشگاه‌های دولتی در ارائه آموزش عالی به حساب می‌آیند و رشته‌هایی که دارای متقاضی زیاد می‌باشند را در کنار دانشگاه‌های دولتی ارائه می‌دهند.
- شیوه‌های متداول خصوصی‌سازی، در واقع، جایگزین منابع دولتی نمی‌شود بلکه بنا به ضرورت، در کنار بخش دولتی، منابع لازم را برای پاسخگویی به تقاضاهای بیش از ظرفیت تأمین می‌کند.
- برای برنامه خصوصی‌سازی، اجرای اصلاحاتی در زمینه قوانین و مقررات به طوری که انگیزه حضور بخش خصوصی در آموزش عالی را افزایش دهد و در عین حال زمینه برای تعامل بین دانشگاه‌های بخش خصوصی و دولتی را فراهم آورد ضروری است.
- ضرورت اصلاح و ایجاد تغییر در سازوکارها، فنون و شیوه‌های مدیریت سازمانی مؤسسات آموزش عالی احساس می‌شود.

در ادامه دکتر احمدوند نیز به موانع و چالش‌هایی که بخش خصوصی آموزش عالی با آن مواجه است اشاره کردند. و راه برون رفت از وضعیت موجود را داشتن نگاه راهبردی به بخش غیردولتی و تمهید بستر و ظرفیت توسعه این بخش دانستند که در این مسیر کرسی یونسکو در مدیریت، برنامه‌ریزی و تضمین کیفیت آموزش عالی به عنوان عقل منفصل آموزش عالی متناسب با وضعیت گذشته، حال و آینده می‌تواند به این بخش کمک کند. همچنین، ناکارآمدی بخش رقیب (دولتی) و نبود نگاه راهبردی، الزامی برای توجه ویژه به بخش خصوصی آموزش عالی است. ایشان همچنین، به مقایسه نهاد آموزش و پرورش و آموزش عالی در موضوع خصوصی سازی اشاره کردند. بطوریکه در جامعه ایران مردم با اطمینان بیشتری هزینه آموزش و پرورش خصوصی را پرداخت می‌کنند. زیرا، اذهان عمومی کارآمدی آموزش و پرورش خصوصی را باور دارند. این در حالی است که آموزش عالی خصوصی کشور با بحران هویت روبرو است. این باورها قواعدی را به وجود آورده که این قواعد نیز نگاه جدی‌ای به بخش غیردولتی ندارند. همچنین، معیارهای اثربخشی و کیفیت مثل نسبت استاد به دانشجو و... ایستا است و پویایی لازم را ندارد. علاوه براین، قوانین حاکم بر نظام آموزش عالی اصالت را به بخش دولتی می‌دهند. نمودهای این امر در صدور بخش‌نامه‌هایی دیده می‌شود که هم راستا با بخش آموزش عالی دولتی است. به طور مثال، در زمینه جذب دانشجوی خارجی یا استعداد درخشان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بر این باور است که بخش غیردولتی ناکارآمد است. علاوه براین، معیارهای رتبه‌بندی دانشگاه‌های غیردولتی همچنان غیرشفاف است. به طور کلی، از دیدگاه دکتر احمدوند، هویت بخشی مهم‌ترین اصل در آموزش عالی غیردولتی است. کافی است که بخواهیم و این روایت را تغییر دهیم.

در ادامه دکتر آهون منش به این موضوع اشاره کردند که مشکلات آموزش عالی غیر دولتی از اینجا شروع می‌شود که در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری اعتقادی به بخش خصوصی وجود ندارد. اگر چه وزیر علوم و کارکنان این وزارتخانه بخش خصوصی آموزش عالی را مورد تأیید و توجه قرار می‌دهند اما در عمل آنچه که در وزارت علوم رخ می‌دهد این است که بخش خصوصی یک زائده است. مشکل دوم را تعدد نهادهای تصمیم گیرنده دانستند بطوریکه وزارت علوم تصمیم گیرنده نهایی نیست. و یکی از ۱۴ نهادی است که در مورد آموزش عالی تصمیم‌گیری می‌کند. به این ترتیب، وظایف و اختیارات وزارت علوم میان نهادهای مختلف تقسیم شده است. همچنین، دولت‌ها نگاهی پوپولیستی به آموزش عالی دارند. برنامه وزارت علوم به این صورت بوده است که بین سال‌های ۸۳ تا ۹۳ تعداد دانشگاه‌های غیرانتفاعی از ۷۰ به ۳۵۸ برسد. که البته این افزایش تنها مربوط به دانشگاه خصوصی نیست. تا پایان برنامه پنجم نیز قرار بر این بوده است که دانشگاه علمی کاربردی به ۴۸۸ واحد برسد اما یکسال قبل از اتمام برنامه پنجم تعداد آنها به ۱۱۱۱ رسید. بنابراین، نگاه وزارت علوم به طور غالب به بخش دولتی است. دکتر آهون منش به لزوم تمایز میان دانشگاه‌های دولتی و خصوصی در زمینه قوانین و آئین‌نامه‌ها نیز اشاره کردند. «چطور ممکن است که با یک بخش‌نامه واحد، دانشگاه‌های دولتی سراسر کشور را اداره کرد؟!». موضوع دیگری که مطرح کردند این بود که قوانین منصفانه‌ای نسبت به وضعیت سرمایه یک مؤسسه غیردولتی پس از انحلال آن وجود ندارد. بطوریکه بعد از منحل شدن مؤسسه تمام اموال به دولت می‌رسد. زیرا، در موارد بسیار محدود ممکن است دانشگاه خصوصی از یک بانک دولتی وام دریافت کرده باشد یا از یک نهاد دولتی زمین گرفته باشد. در پایان دکتر آهون منش هزینه‌های مالی دانشگاه خصوصی را بسیار کمتر از بخش دولتی دانستند و ریشه موانع و چالش‌های بخش خصوصی آموزش عالی را خود دولت و وزارت علوم ذکر کردند.

پس از ایشان، دکتر زعفرانی، به این موضوع اشاره کردند که با توجه به اینکه متولی اصلی بخش خصوصی آموزش عالی وزارت علوم است بنابراین، چالش‌های این بخش نیز به همین وزارتخانه برمی‌گردد. همچنین، به دو مورد از زمینه‌هایی که وزارت علوم برای بخش خصوصی می‌تواند کمک کننده باشد اشاره کردند. یکی لزوم اعمال نظارت یکسان وزارت علوم بر همه دانشگاه‌ها اعم از دولتی و غیردولتی است. و دوم، اعضای دانشگاه‌های غیر دولتی باید در شوراهایی که در مورد آنها تصمیم‌گیری می‌شود عضو باشند. در غیر اینصورت، آیین‌نامه‌هایی که برای دانشگاه‌های غیردولتی تدوین می‌شود، کاربردی نخواهد بود.

دکتر شمیرانی، ضمن پذیرش بخش غیردولتی به این موضوع اشاره کردند که مشکلات بخش خصوصی در یک حوزه از وزارت علوم قابل حل نیست. همچنین، اگر به چالش‌های بزرگتر و با اولویت بیشتر پرداخته شود، مشکلات کوچکتر خود به خود حل خواهند شد. ایشان در پاسخ به چالش مطرح شده از سوی دکتر زعفرانی مبنی بر ارائه اموال و سرمایه مؤسسه آموزش عالی خصوصی پس از انحلال آن به وزارت علوم به ماده ۲۸ اساسنامه اشاره کردند که بر اساس آن، پس از انحلال یک بخش خصوصی کلیه اموال باید به وزارت علوم برگردد. این در حالی است که مؤسسان در بخش غیردولتی همه اموال را از دولت دریافت نکرده‌اند و ممکن است از سرمایه شخصی خود استفاده کرده باشند. به همین دلیل، وزارت علوم اصلاحیه‌ای نسبت به ماده ۲۸ تنظیم نموده است که اگر مؤسسه‌ای منحل شد، دارایی‌های آن بر حسب قیمت روز کارشناسی شود. و تصمیم نهایی پس از بررسی دقیق گرفته شود. اما متأسفانه این موضوع در شورای عالی انقلاب فرهنگی به نوعی رد شده است. دکتر شمیرانی همچنین به موضوع رتبه‌بندی مؤسسات اشاره کردند که در ۵ سطح رتبه‌بندی انجام خواهد شد. اطلاعات مربوط به مؤسسات آماده است و در ماه آتی نتایج به مؤسسات اعلام خواهد شد. بر این اساس، رتبه‌های ۴ و ۵ نمی‌توانند ظرفیت جدید بگیرند مگر اینکه به رتبه سطح ۳ برسند. به طور کلی، خط‌مشی‌ای که وزارت علوم در این زمینه باید در پیش بگیرد اصلاح ماده ۲۸ اساسنامه است که خود به خود مؤسسات بی‌کیفیت منحل شوند.

در ادامه دکتر فراستخواه بحث خود را با این پرسش آغاز کردند که آیا شرایط امکان رشد، توسعه مؤثر و پایدار بخش غیردولتی در وزارت علوم وجود دارد؟ و به این موضوع اشاره کردند که بخش غیردولتی باید ویژگی‌های خاص خود را داشته باشد که بتوان به آن غیردولتی اطلاق کرد. بطوریکه بتواند مولد، رقابتی و اثربخش هم باشد. در آن آزادی عمل، استقلال، شفافیت و گردش اطلاعات وجود داشته باشد، و در عین حال خودگردان هم باشد. بخش غیردولتی‌ای که بتواند خلاقیت و ابتکار عمل و قدرت تصمیم‌گیری و انتخاب در شرایط عدم اطمینان و رقابتی جهانی داشته باشد. روشن است که چنین شرایط امکانی وجود ندارد و سیاست‌ها و ساختارها نیز اجازه بروز این امکان را نمی‌دهند. در اکثر موارد نتیجه سرمایه‌گذاری در این بخش در ایران (جز مواردی اندک که آنها هم پایدار نبوده‌اند و یا نتوانسته‌اند اصالت خود را حفظ کنند)، رانت و عملکرد غیر مولد بوده است. بنابراین، باید به این فکر کرد که چه اصلاحات نهادی، رفتاری و ساختاری باید صورت بگیرد؟ و یا چه مداخلات اساسی برای اصلاح نهادی لازم است؟

در ادامه دکتر منیعی به دو نکته در رابطه با بخش خصوصی آموزش عالی اشاره کردند. یکی اینکه ابتدا باید تعریف روشنی از آموزش عالی خصوصی به دست آورد و آیا بر اساس تعاریف موجود در کشور ما به معنای واقعی آموزش عالی خصوصی وجود دارد؟ اگر بخواهیم با نگاه آماری به این موضوع نگاه داشته باشیم و این بخش را به نوعی تعریف کنیم، باید در نظر داشته باشیم که حدود ۸۶ درصد از دانشجویان شهریه پرداخت می‌کنند در حالیکه تنها ۱۴ درصد از آنها شهریه پرداخت نمی‌کنند. در حال حاضر این رقم (دانشجویان با پرداخت شهریه) به ۷۰ درصد کاهش پیدا کرده است. البته این به این معنا نیست که دانشگاه‌های رایگان گسترده‌تر شده‌اند بلکه به این دلیل است که تعداد دانشجویان به طور کلی کاهش یافته است. علاوه بر این، می‌توان تعریف یونسکو از آموزش عالی خصوصی را مد نظر قرار داد که به این صورت است: «مؤسسه‌ای است که توسط یک سازمان غیردولتی (شرکت یا هیئت مدیره) کنترل و اداره می‌شود و در هیئت مدیره آن هم افراد دولتی عمدتاً حضور ندارد.» حال نگاهی به آموزش عالی خصوصی در کشور خود نگاهی بیندازیم که آیا توسط افراد غیردولتی اداره می‌شود؟! به این ترتیب، آیا در کشور ما آموزش عالی خصوصی وجود دارد که بخواهد استقلال، پویایی و ابتکار عمل لازم را داشته باشد. دکتر منیعی در پایان بحث خود به یکی از آسیب‌های جدی در آموزش عالی کشور اشاره کردند که رقابت نهادها بر سر سیاست‌گذاری است. در حالیکه رقابت شفاف و سالم در اجرا باید باشد. این مورد نیاز به نهاد اعتبارسنجی کارآمد دارد که بتواند کیفیت مؤسسات و دانشگاه‌ها را ارزیابی کند و در این صورت است که رقابت شایسته و سازنده می‌تواند شکل بگیرد.

دکتر رحیم عبادی بحث خود را به این صورت آغاز نمودند که در حالیکه بیش از ۸۰ درصد آموزش عالی در اختیار بخش خصوصی است اما پرداختن به این بخش چندان مورد توجه قرار نمی گیرد و به نوعی پارادوکس ایجاد شده است. دکتر عبادی با توجه به اینکه تجربه فعالیت در دو بخش آموزش و پرورش و آموزش عالی را دارند بر این باور هستند که آموزش عالی نسبت به آموزش و پرورش در بخش خصوصی، حدود ۳۰ سال تأخیر دارد. این در حالی است که در آموزش و پرورش تنها ۱۰ درصد آن به بخش خصوصی تعلق دارد. ایشان در ادامه به چالش های آموزش عالی اشاره کردند و آنها را در سه سطح قرار معرفی نمودند. ۱. نگرش (نوع نگاهی که آموزش عالی به بخش غیردولتی دارد)؛ ۲. ساختار (بخش عمده ای از بخشنامه ها و دستورالعمل ها ناظر بر محدودسازی بخش خصوصی است و این روند در حال افزایش است. به طور مثال، اخیراً هیئت جذب استانی نیز اضافه شده است که اختیارات مؤسسه را محدود می کند) و ۳. رفتار (ممکن است قوانین، مقررات و ساختارها کلاماً درست باشد اما مدیران آموزش عالی در عمل هیچگونه مرجعیتی برای بخش غیردولتی قائل نباشند). دکتر عبادی در پایان به دغدغه دیگری اشاره کردند مبنی بر اینکه ساختار به نحوی است که بخش غیردولتی نمی تواند در تصمیم گیری ها حضور داشته باشد.

در ادامه دکتر قارون به این موضوع اشاره کردند که برای بررسی هر موضوع و چالشی ابتدا باید به درستی آن را بشناسیم. به طور مثال، به ۷ شیوه در دنیا خصوصی سازی وجود دارد. که در کشور ما نمیتوان این انواع را از یکدیگر تفکیک کرد. یکی از تعاریف خصوصی سازی در دنیا در آموزش عالی این است که ما تا چه اندازه مدیریت را به سمت خصوصی شدن پیش برده ایم. نوع دیگری از خصوصی سازی براساس شهریه است که در این نوع کشور ما خیلی پیش رفته است. نکته اصلی این است که این انواعی را که در دنیا تجربه شده است بتوانیم در ایران خوب بشناسیم، شاخص تعریف کنیم و آمار و اطلاعات جمع آوری کنیم. یکی از مواردی که شاید بتواند کمک کوچکی به این قضیه بکند، در نظر گرفتن نسبت اشتغال فارغ التحصیلان در دو بخش خصوصی و دولتی است. به دلایل مختلفی در آموزش خصوصی اشتغال بیشتر است. یکی از دلایل می تواند این موضوع باشد که دانشجویان بخش خصوصی وقت بیشتری دارند که بتوانند علاوه بر تحصیل، شغل هم داشته باشند و به تحصیل بپردازند. در این زمینه، نظام کار هم با تشویق مدرک تحصیلی به منظور افزایش حقوق، باعث می شود که افراد در دانشگاه های پیام نور، علمی- کاربردی و آزاد فرصت ورود بهتری داشته باشند. به خصوص در مورد دانشگاه آزاد که ظرفیت هم بیشتر هست. یکی دیگر از چالش های اساسی در آموزش عالی خصوصی که دکتر قارون به آن اشاره کردند این است که دولت رویکردی برای حفاظت بخش خصوصی ندارد و در مقابل از بخش دولتی برای رقابت حمایت می کند. بطوریکه بخش خصوصی را یک واحد تجاری در نظر می گیرد که نیازی به حمایت دولت ندارد. در صورتیکه محور اصلی دولت نباید مؤسسه باشد، بلکه باید مصرف کننده آموزش عالی باشد.

در ادامه دکتر یمنی ضمن اشاره به هدف برگزاری این نشست و نشست های آتی^۴، بحث خود را بر اساس سه سوال اصلی پیش بردند. ایشان علاوه بر چالش هایی که مطرح شد، این نکته را یادآور شدند که در بخش دولتی، بخش خصوصی نیز وجود دارد. به طور مثال، پردیس های دانشگاه های دولتی که دانشجو هزینه پرداخت می کند. در این میان، نکته مهم این است که وضعیت عملکردی آموزش عالی خصوصی از گذشته تا به امروز بررسی شود و اگر به عملکرد توجه عمیق داشته باشیم، اهمیت سوال سوم این نشست (در مواجهه با این چالش ها در داخل سیستم آموزش عالی یا بیرون آن چه مواردی باید تغییر کند یا ایجاد شود؟) یعنی ضرورت ایجاد تغییر در بخش خصوصی چه از نظر کارکردی و چه از نظر ساختاری را متوجه می شویم. دکتر یمنی بحث خود را با طرح چند پرسش و لزوم تأمل در آنها پیش بردند.

^۴ برگزاری کنفرانس جهانی در اسپانیا در پاییز است که یونسکو از کرسی مدیریت، برنامه ریزی و تضمین کیفیت آموزش عالی درخواست کرده است که در کنفرانس مشارکت داشته باشد.

درآمدزایی در بخش خصوصی با چه هدفی صورت می‌گیرد؟ درواقع، هدف از درآمدزایی باید معنایی داشته باشد. جوانان قبل از ورود به دانشگاه چه انتظاری از دانشگاه دارند؟ مطالعات نشان می‌دهد که افراد قبل از ورود به دانشگاه آرمان‌هایی دارند که احتمالاً سیستم مدرسه‌ای نتوانسته است آنها را فراهم کند. به همین دلیل آرمان‌های خود را در دانشگاه جستجو می‌کنند. مدیران از دانشگاه چه می‌خواهند؟ سیاستگذاران از دانشگاه چه می‌خواهند؟ سیاستگذاران معمولاً ایده‌ها و سلاقی خود را مورد توجه قرار می‌دهند. و اما خانواده‌ها از دانشگاه چه می‌خواهند؟ تعالی و سلامت جسمی و روانی و آینده روشن فرزندان‌شان را می‌خواهند. جامعه (بخش خصوصی و دولتی) دانشگاه را چگونه ارزیابی می‌کند؟ و در پایان بخش آموزش عالی خصوصی و دولتی از دانشگاه چه می‌خواهند؟ ایشان بر نتایج پژوهش انجام گرفته در دانشگاه‌های پیام نور شهر تهران اشاره کردند مبنی بر اینکه آنچه مدیران این دانشگاه‌ها از دانشگاه طلب می‌کردند با آنچه که دانشجویان در پی آن بودند در تقابل با یکدیگر قرار داشتند.

دکتر یمنی در پایان چهار چالش اساسی که بخش خصوصی و دولتی آموزش عالی با آن روبرو هستند را ذکر کردند. ۱) برخی از چالش‌ها ساختاری است و درواقع، فرمالیسم و قوانین دست و پاگیر است. ۲) چالش‌های محیطی. که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. درواقع، این چالش در ارتباط با این موضوع است که دانشگاه چگونه می‌تواند خود را در محیطی که به آن تعلق دارد حفظ کند؟ چگونه می‌تواند با تغییر خود محیط را تغییر دهد؟ (این موضوع رسالت مهم دانشگاه است). ۳) چالش‌های ارتباطی. به این معنا که میان مدیران با کارکنان، مدیران با دانشجویان و ... (لایه‌های مدیریتی با لایه‌های میانی و پایینی) تا چه اندازه می‌تواند ارتباط وجود داشته باشد؟ و ۴) چالش‌های فرهنگی. دانشجو زمانیکه وارد دانشگاه می‌شود با یکسری از نمادها مواجه می‌شود که در رفتار مدیران، کارکنان و ... وجود دارد و تأثیرگذاری آن آرام است. به همین دلیل است که تحت تأثیر آئین‌نامه ارتقاء اساتید، کمی‌نگری در رفتار دانشجویان (با افزایش مقطع تحصیلی) نیز به چشم می‌خورد. بنابراین، مهم است که دانشگاه را به صورت یک کل در نظر بگیریم. البته تمایز کارکردی میان بخش خصوصی و دولتی وجود دارد. در پایان دکتر یمنی نکته‌ای را مطرح کردند که نیازمند تأمل بیشتر در این حوزه است. «فرض کنیم تمام مشکلات مالی دانشگاه حل می‌شود. آیا مسائل فرهنگی، فضیلت جویی و ... نیز حل می‌شود؟ این موضوع خیلی روشن نیست. بحث مالی بسیار مهم و حساس است اما باید با توانمندی‌های دانشگاهیان ادغام شود تا بتواند معنا ساز باشد».

در ادامه، دکتر نورشاهی نیز به موضوع اثرگذاری نگاه جامعه به مؤسسات خصوصی اشاره کردند که این نگاه می‌تواند بر میزان توجه دولت به بخش خصوصی تأثیر داشته باشد. بنابراین، وظیفه دانشگاهیان و دست‌اندرکاران آموزش عالی این است که برای این هویت و اصلاح قالب‌های ذهنی تلاش کند.

در پایان دکتر اصغرزاده به عنوان جمع‌بندی نشست مروری کوتاه بر چالش‌ها، موانع و مسائل سرمایه‌گذاری در بخش غیر دولتی داشتند. و این نکته را یادآوری شدند که چنین مسئله مهمی باید در سطح جهانی نیز بررسی شود. که آیا بخش خصوصی در دنیا در حال گسترش است؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد که بین‌المللی‌سازی آموزش عالی بعنوان یک مگاترند یکی از جریان‌هایی بوده است که در سه دهه گذشته منجر به سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی شده و ایجاد شعبات دانشگاه‌های بزرگ در کشورهای دیگر را به دنبال داشته است. این درحالی است که در ایران موتور بین‌المللی‌شدن آموزش عالی هنوز به طور کامل فعال نشده است. بر این اساس در حال حاضر، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در آموزش عالی بعنوان یکی از ترندهای آن نمی‌تواند چندان رشدی داشته باشد. ایشان در ادامه این جلسه را بعنوان جلسه مقدماتی مبحث توسعه بخش غیردولتی در آموزش عالی ایران مطرح کردند و اعلام داشتند که با ظرفیتی که این کرسی یونسکو دارد با همکاری موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی این مباحث و جلسات به منظور شناسایی موانع و چالش‌های بخش غیردولتی آموزش عالی ادامه خواهد داشت.

در ادامه برخی از مهم‌ترین چالش‌های بخش خصوصی آموزش عالی ذکر شده است.

